



این متن از سایت دانشنامه حوزوی "ویکی فقه" اخذ شده است.
برای آشنایی و استفاده بیشتر به نشانی www.wikifeqh.ir مراجعه فرمایید.

رشد

کلیدواژه: رشد، غی، هدایت، ضلالت.

پرسش: معنای «رشد»، «غی»، «هدایت» و «ضلالت» در قرآن چیست و چه ارتباطی با هم دارند؟

پاسخ:

فهرست مندرجات

- ۱ - رشد
- ۲ - رشد و غی
- ۳ - رشد و هدایت
- ۴ - غی و ضلالت
- ۵ - پانویس
- ۶ - منبع

رشد

کلمه «رشد» که هم با ضمه «راء» و هم با ضمه «راء و شین» خوانده می‌شود، نقیض «غی»، به معنای رسیدن به واقع مطلب و حقیقت امر و راه میانه است.^{[۱] [۲] [۳]}

رشد و غی

بنابراین «رشد» و «غی» اعم از **هدایت و ضلالت** است؛ برای این‌که هدایت به معنای رسیدن به راهی است که آدمی را به **هدف** می‌رساند، و ضلالت هم نرسیدن به چنین راه است، ولی ظاهراً استعمال کلمه «رشد» در رسیدن به راه اصلی و وسط آن از باب انطباق بر مصداق است.^[۴]

رشد و هدایت

به **سخن** دیگر، یکی از مصداق رشد یا لازمه معنای **رشد**، رسیدن به چنین راهی است؛ چون گفتیم رشد به معنای رسیدن به واقع مطلب است و معلوم است که رسیدن به واقع، منوط بر این است که **انسان**، راه راست و وسط طریق را پیدا کرده باشد، پس رسیدن به راه، یکی از مصداق واقع است. پس **حق** این است که کلمه «رشد» معنایی دارد و کلمه «هدایت» معنایی دیگر، مگر این‌که با برخی چشم‌پوشی‌ها با یکدیگر منطبق شوند، و این معنا واضح است^[۵] و در این **آیات** شریفه کاملاً به چشم می‌خورد:

«فَإِنْ آتَيْتُمْ مِنْهُمْ رُشْدًا»؛ «همین که احساس کردید **تیم** رشد خود را یافته...».^[۶]

«و لَقَدْ آتَيْنَا إِبْرَاهِيمَ رُشْدَهُ مِنْ قَبْلُ»؛ «ما رشد **ابراهیم** را از پیش به او داده بودیم».^[۷]

غی و ضلالت

هم‌چنین کلمه «غی» و «ضلالت» به یک معنا نیستند، بلکه هر یک برای خود معنایی جداگانه دارند، اما این دو نیز با اعمال عنایتی مخصوص، در موردی هر دو با یکدیگر منطبق می‌شوند، و به همین جهت «**ضلالت**» به معنای انحراف از راه (با در نظر داشتن هدف و مقصد) است، ولی «غی» به معنای **انحراف** از راه با **نسیان** و **فراموشی** هدف و مقصد است.^[۸]

پانویس

۱. ↑ ابن منظور، مجد بن مکرم، لسان العرب، ج ۳، ص ۱۷۵، بیروت، دارالفکر للطباعة و النشر و التوزیع، دار صادر، چاپ سوم، ۱۴۱۴ق.
۲. ↑ فیومی، احمد بن مجد، المصباح المنیر، ج ۲، ص ۲۲۷، منشورات دار الرضی، قم، چاپ اول، بی‌تا.
۳. ↑ طباطبایی، سید مجدحسین، المیزان فی تفسیر القرآن، ج ۲، ص ۳۴۲، قم، دفتر انتشارات اسلامی، چاپ پنجم، ۱۴۱۷ق.
۴. ↑ طباطبایی، سید مجدحسین، المیزان فی تفسیر القرآن، ج ۲، ص ۳۴۲، قم، دفتر انتشارات اسلامی، چاپ پنجم، ۱۴۱۷ق.
۵. ↑ طباطبایی، سید مجدحسین، المیزان فی تفسیر القرآن، ج ۲، ص ۳۴۲، قم، دفتر انتشارات اسلامی، چاپ پنجم، ۱۴۱۷ق.
۶. ↑ نساء (۴)، آیه ۶.
۷. ↑ انبیاء (۲۱)، آیه ۵۱.
۸. ↑ طباطبایی، سید مجدحسین، المیزان فی تفسیر القرآن، ج ۲، ص ۳۴۲، قم، دفتر انتشارات اسلامی، چاپ پنجم، ۱۴۱۷ق.

